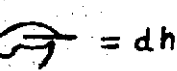

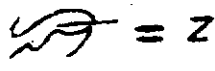
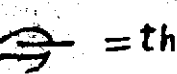
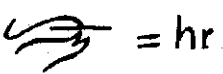
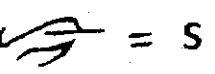


تاریخ خط حرفی در جهان و ایران

علیقلی اعتماد مقدم

بدین مضمون نوشت که پنجاه حرف الفبای سنسکریت بر روی حرکت دهان و زبان ساخته شده است .
این نامه در افکار جویندگان اروپائی ، در اواخر قرن شانزدهم هیجانی ایجاد کرد که ما از جزئیات آن اطلاع درستی نداریم ، ولی تأثیر آن را از آن تاریخ بعد در افکار جویندگان غرب می بینیم .
در سال ۱۶۶۸ یعنی هشتاد و سه سال بعد از تاریخ نامه ساستی ، جان ویلکنز^۱ الفبائی از روی دهان ساخت که نمونه اش اینست :

نمونه الفبای ساخته شده بوسیله ویلکنز

 = dh  = r  = z
 = th  = hr  = s

در مقاله پیشین مدارك فنی و روایات تاریخی راجع به خط را در ایران دادیم و در این گفتار می خواهیم تقریباً تمام مداركی را که از اواخر قرن شانزدهم میلادی تا کنون در اروپا جمع آوری شده و یا حدس زده اند بنظر خوانندگان برسانیم و داوری آنها را بمعهدۀ ایشان بگذاریم . زیرا که مقصود ما در این مقالات نشان دادن مدارك و حدسیاتی است که درباره خط و تاریخ آن گفته شده است و امیدواریم که در مقایسه مطالبی که در مقاله اول ذکر شده و اینجا تذکر داده میشود ، در آینده مطالب تازه تری بنظر خوانندگان برسانیم که راه بررسی و داوری را آسانتر نماید.
موضوع جعل اسناد و مدارك برای اثبات دعویهای فرهنگی و احادیث و روایات مذهبی تازه نگینی ندارد و شرحش از موضوع مقاله ما خارج است .

ولی لازم بتذکرست که هیچکس گمان نمی کرد که این جعلها در کلیات تاریخ قدیم ، تا بمومیائیهای مصری و جرمه انسان قدیم کشانیده شود .

در هر صورت راجع به بحث در این قسمت از تاریخ فرهنگ بشر ، بایستی در رد و قبول مدارك ، احتیاط را از دست نداد . نخستین بار پس از بیداری اروپا ، يك ایتالیائی بنام فیلیپ ساستی^۱ در سال ۱۵۸۵ ، نامه ای از هند به پیروثوری^۲

1 - Filippus Sasseti

2 - Pier Vettori

3 - Wilkens



چنانکه ملاحظه میشود دانشمندی که این الفبا را ساخته از علم تجوید و صدانشناسی بی بهره بوده است . هر چند این الفبا از الفبای مجهول الاصل لاتین پست ترست ، ولی در حقیقت دارای زمینه ایست که الفباهای معمولی از آن بی بهره اند .

باری ، در همین اوان کسی بنام فن هلمونت^۴ در هلند کتابی به لاتین بنام «الفبای طبیعی» نوشت و در آن دعوی کرد که الفبای عبری در بهشت و از روی دهان ساخته شده است . نمونه ای از آن در ذیل داده میشود :

از نمونه حرف «ش» عبری ، و حروف دیگری که اشکال آن ها در اینجا داده نشده ، فن هلمونت در تحت تأثیر نامه ساستی خواسته است که کلیه حروف را از روی زبان و دهان رسم کند ، بی آنکه توجهی به دیگر اندامهای دهان کرده باشد . این کار فن هلمونت نشان می دهد که از کتب تجوید اسلامی و هندی بی اطلاع بوده . و می خواسته است ثابت کند که الفباهای جهان از خط عبری مشتق شده است . در صورتی که در کتب تاریخ الفبا ، تاریخ ایجاد خط عبری را از ده یازده قرن پیش جلوتر نتوانسته اند بدهند .

4 - Van Helmont

فن هلمونت به تصور اینکه صدای «ش» مربوط به زبان و کام است کوشیده که شکل «ش» عبری را با حرکات زبان نشان دهد در صورتیکه در اصطلاحات صدانشناسی قدیم و حتی جدید این حرف از حروف دندانی است

نمونه ای از خط فن هلمونت



در هر صورت واضحست که این دانشمند در اثبات نظریه بستگی شکل حروف باصدا و بویژه تطبیق آن با حروف عبری در مانده ، و بهمین جهت در مدت چهار قرن گذشته کتاب او مورد توجه و قبول پژوهندگان واقع نگردیده و حتی در کتابهای مفصل و مهم تاریخ خط از آن ذکری نشده است ، و محققین اروپائی برای پی بردن به سر ساختمان خط و تاریخ آن راه دیگری را پیش گرفته اند . همچنین ملاحظه میشود که موضوع الفبا و تاریخ آن و نسبت دادن آن به ملتها ، مورد توجه یکی از بزرگترین متفکران قرن هیجدهم میلادی ، ولتر (۱۷۷۸ - ۱۶۹۴) بوده است .

وی گوید : چگونه است که اصطلاحی برای کلید دانشها که آنرا الفبا می گویند نداریم ، در حالی که برای « شماره » می گوئیم « علم شمارش » نمی گوئیم « دانش یک و دو و سه » وی در حالی که بطور طعنه اشاره کرده است که چرا برای چنین اختراع بزرگی نتوانسته اند نامی بگذارند ، ارتباط حروف را باصدا در نظر گرفته است .

در چاپ هفتم و هشتم دایرة المعارف بریتانیکا (قرن نوزدهم) نوشته شده است : « ظاهر آ زمان اختراع خط را تاریکی نفوذناپذیری فرو گرفته است . اگر اختراعی با اینهمه اهمیت برای بشر ، بعد از طوفان نوح صورت گرفته بود تصور می کنیم که نام مخترع آن ، در تواریخ کشوری که چنین مخترعی در آن میزیسته نوشته شده بود . . . چون نمی توانیم که از روی تاریخ و حتی با تخیلات خود اصل الفبا را تعیین کنیم ، باید بموجب مدارک صحیح علمای یهود ، نسبت آنرا به آدم بدھیم ، یا اینکه بگوئیم این اختراع از اختراعات بشر نیست و الفبا از آسمان نازل شده است . »

علت چنین اظهار نظر موهومی ، آنها در دو چاپ مختلف دایرة المعارف بریتانیکا اینست که در نوشته های یونانی و لاتین قبل از میلاد و کتب بعد از میلاد که با آن زبانها نوشته شده ، راجع به الفبا هیچگونه مدرک تاریخی و فنی نظیر مقاله الفهرست ابن ندیم و کتب صداسناسی و تجوید ایران و همچنین هند وجود ندارد .

چون در قرن گذشته ، دیگر استناد به این گونه اوهام امکان نداشت و تکرار این قبیل سخنان به شوخی تلقی می گردید در پی چاره گری برآمدند که روش نوینی پیش گیرند تا بتوانند همان روایات را با حدسیات بصورتی در آورند که تا اندازه ای پذیرفتنی باشد .

امانوئل دوروزه در ۱۸۵۳ در « آکادمی دزنسکر بیسیون »^۵ فرانسه حدسیات و احتمالات خود را درباره اصل و پیدایش الفبا در یک سخنرانی شرح داد و بعد نسخه اصلی این سخنرانی به علل اسرار آمیزی از میان رفت و بعدها هم ابدأ پیدا نشد و مجدداً هم موفق بنوشتن آن سخنرانی نگردید .

تیلورا مؤلف اولین تاریخ برای پیدایش الفبا ، این حدسیات را که کسی نمی داند چیست به عنوان « حدس درخشان » خوانده و بنیاد کارش را بر آن گذاشته است .

این « حدس درخشان » امانوئل دوروزه ، تقریباً این بوده است که طوایف فنیقی که مردمانی بازرگان بوده اند و چنانکه هرودت گفته از کرانه خلیج فارس به مدیترانه مهاجرت کرده اند ، الفبا را از روی نقوش مصری ساخته و برای سهولت در کارهای بازرگانی آنرا بکار برده بودند و یونانیان از آنها فن نوشتن را یاد گرفتند .

باری نخستین مدرکی که در سال ۱۸۶۸ کشف شده و در تنظیم تاریخ خط و نسبت آن به فنیقی ها مؤثر بوده مدرک ذیل است :

در سال ۱۸۶۸ میلادی یک کشتی و مبلغ آلمانی در نزدیکی ویرانه های یکی از شهرهای قدیمی موآب چادر زده بود . یکی از مشایخ عرب پیش این کشتی می رود و می گوید در نزدیکی اینجاسنگی است که روی آن نوشته هایی کنده شده است . همین که این کشتی بدانجا رفت سنگ سیاه خارا ئی را یافت که در حدود یک متر طول و شصت سانتیمتر عرض و شانزده سانتیمتر کلفتی داشت . روی آن سنگ سی و سه سطر با حروف غیر معلومی^۶ کنده شده بود . آن کشتی آلمانی بیدرنگ داخل مذاکره شد که آنرا برای موزه برلن بخرد ولی بدبختانه قنصل فرانسه کوشش کرد تا آنرا برای موزه پاریس بفرستد . این پیشامد قیمت سنگ را باندازه ای بالا برد که خریدن آن غیر ممکن گردید . پس از این ، عربها برای تقسیم پول فروش آن بجان هم افتادند . کشمکش آنان بجائی نرسید و آتش زیر سنگ افروختند و از آن پس آب بر روی آن پاشیدند و سنگ تکه تکه از هم ترکید ، و تکه های سنگ را به انبار حیوانات برای تبرک فرستادند .

پیش از شکسته شدن این سنگ ، قنصل فرانسه یک قالب فشاری از روی آن سنگ نبشته گرفته بود ولی چون زود سواره از آنجا گریخته بود ، آن قالب به هفت تکه گردید زیرا که هنوز تر بود . بدین جهت قابل استفاده دیگر نبود . دو قالب فشاری دیگر از دو تکه بزرگ این سنگ شکسته بعد از آن گرفته شد

5 - Académie des inscriptions et belles-lettres

6 - Taylor

۷ - پس تا این وقت معلوم میشود که حروفی بنام فنیقی که تصور شده است که هرودت آنرا تذکر داده نمی شناختند . بعلاوه اینکه این سنگ نبشته زمینه ای برای تاریخ خط شده ، سندی هم برای حل اشکالات تاریخی دیگر گردیده است که هر چند بحث در آن اهمیت دارد و حتماً باید در هنگام بررسی تاریخ زبان و خط و دین در نظر گرفته شود ، ولی فعلاً از موضوع ما خارج است . چیزی که قابل توجه میباشد این است که در این سنگ نبشته تذکری داده نشده که این خطی فنیقی است .

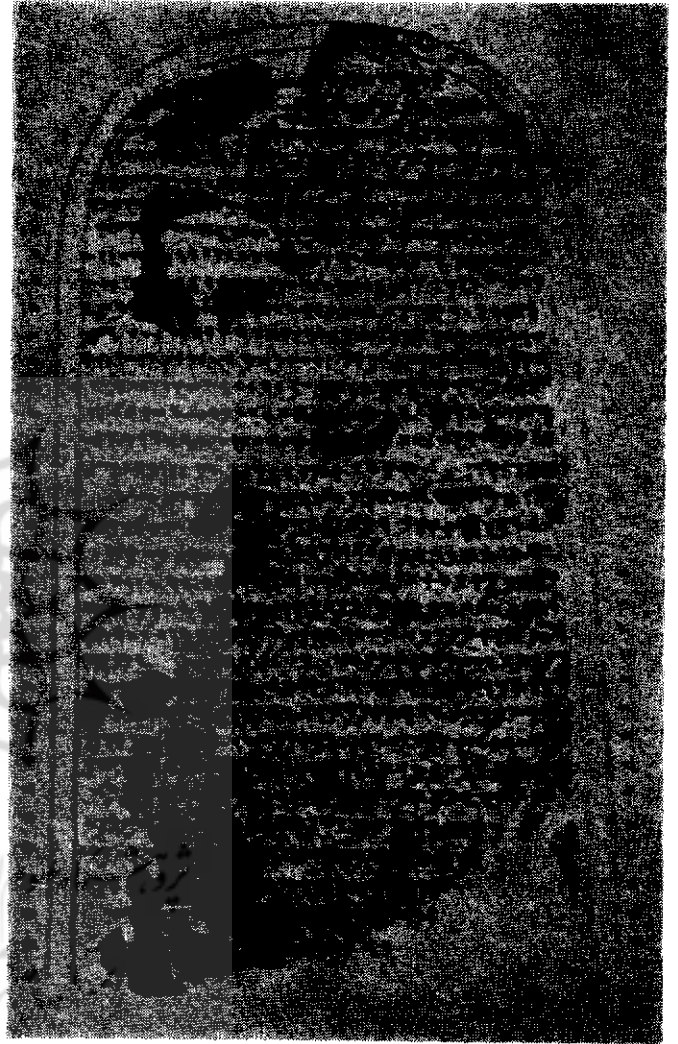
و این کار را فرستاده «سرچارلز وارن» کرد و همچنین يك قالب فشاری دیگر هم از طرف قنصل فرانسه گرفته شد .

با وجود حدسی که نسبت آن به امانوئل دوروزه داده شد و هواداری روحانیون از آن حدس، معلوم میشود که پژوهندگان دست از تحقیق برنداشته و همچنین در این فکر بوده اند که يك الفبای منطقی بسازند ، زیرا در ۱۸۶۷ «بل»^۹ يك الفبا بنام « الفبای پدیدار » اختراع کرد که نمونه آن در ذیل داده میشود :

$$d = k \quad \sigma = \tau \quad \rho = p \quad \beta = b$$

$$d = g \quad \omega = d \quad \varpi = n \quad \wp = m$$

نمونه الفبای ساخته شده بوسیله « بل »



نمونه خط فنیقی

بدیهی است که چنین الفبائی هر چند پایه اش علمی و دقیق بود ولی بهیچوجه نمی توانست جای الفبای ساده ناقص لاتین را که مردم به آن انس داشتند و جنبه دینی هم بخود گرفته بود بگیرد .

اسحق تیلور که یکی از روحانیون بود دو جلد کتاب جامع و مفصل درباره الفبا در تاریخ ۱۸۸۳ بنام کتاب « الفبا » نوشت. این کتاب از حیث جمع آوری خطوط جهان و ترتیب جدولها قابل توجه بوده و همیشه مورد استفاده خواهد بود . ولی چون مؤلف در تألیف کتاب خود غرض خاصی داشته بعلم نداشتن هیچگونه مدرک تاریخی، ناچار شده اکثر مباحث کتاب را که مربوط به اصل مخترع الفباست با کلمات حدس و احتمال پر کند و اساس کلیه آن حدسیات و احتمالات، حدس مفقود الاثر امانوئل دوروزه است که مؤلف ، آن را « حدس درخشان » خوانده است .

باری ، با همه اصراری که تیلور درباره کشانیدن تاریخ خط به اقوام بیبلیک^{۱۰} داشته این حقیقت را نتوانسته انکار کند

باری تکه هائی از این سنگ را به اورشلیم بردند و برخی تکه های آن در پاریس و بعضی در لندن است. به کمک این قالبهای فشاری بعداً تکه ها را بهم چسبانیدند .
(نقل از فرهنگ کتاب مقدس تألیف دیویس ، چاپ چهارم ، صفحه ۵۰۸)^۸ .

8 - A Dictionary of the Bible, (John D. Davis)

9 - A. M. Bel

10 - Biblique

ومی گوید : «عجب است که قدیمترین آثار الفبائی ایران از ناحیه‌ای بدست آمده که استان هندی شاهنشاهی داریوش بزرگ بوده است .»

و همچنین در کتاب «الفبا» تذکر داده است که : مسعودی در قرن دهم میلادی از زنف و اوستا شرحی نوشته که ظاهر آن از منبع موثقی است . او می گوید که آن کتاب روی دوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود با خطی که زردشت آنرا اختراع کرده بود .»

چاپ دوم کتاب الفبا در ۱۸۸۹ در زیر نظر خود اسحق تیلور انجام شد و چنانکه مؤلف تصریح کرده است در این مدت مطالب تازه‌ای بدست او نیفتاده که در چاپ جدیدش آنها را اضافه کند .

تقریباً یازده سال پس از چاپ دوم کتاب فوق، دائرةالمعارف بریتانیکا در چاپ سیزدهم مینویسد :

« اگر با مدارکی که تا اوت ۱۹۱۵ در دست ماست بخواهیم درباره تاریخ الفبا تحقیق کنیم ، فایده‌ای نمی‌بخشد . کشفیات عظیم کاپادوکیه و آسور و مصر هنوز در مرحله ابتدائی خود است و هر اظهار نظری را ممکنست کشف دلایل تازه‌تری باطل کند .»

در ۱۹۲۷ ، « وادل » استاد سابق دانشگاه لندن کتاب مشهور خود را بنام « اصل آریائی الفبا » منتشر کرد . این کتاب کاملاً مخالف حدسیات اسحق تیلور و هم‌مسلمان اوست زیرا وادل در آن کوشیده است ثابت کند که الفبا از روی علامات خط سومری‌ها که به دلایل او قومی آریائی بودند گرفته شده است .

وادل در مقدمه کتاب « اصل آریائی الفبا » می‌نویسد : « عموماً تصدیق کرده‌اند که اختراع الفبا یکی از بزرگترین پیشرفتهای علمی بشر است .

تاکنون اصل الفبا و مأخذ شکل‌های حروف ، باینکه موضوع حدسیات مختلف بسیاری بوده ، همینطور مجهول مانده است . باوجود این ، نویسندگان اخیر ، مخترع آنرا سامی فرض نموده‌اند و همه این فرض را بدون تفکر و غور از یکدیگر نقل و تکرار می‌کنند .»

نوزده سال پس از اظهار نظر فوق و پژوهش آثار بزرگ کاپادوکیه و آسور و مصر که مطالب را نسبتاً روشن‌تر کرده است، دائرةالمعارف بریتانیکا در چاپ چهاردهم (۱۹۲۹) چنین می‌نویسد :

« بحث در تاریخ الفبا از نخستین باری که در سنگ‌نبشته‌های یونانی بکار رفته است اشکالی ندارد ولی تاریخ الفبا پیش از یونان هنوز در پرده شک نهفته است .»

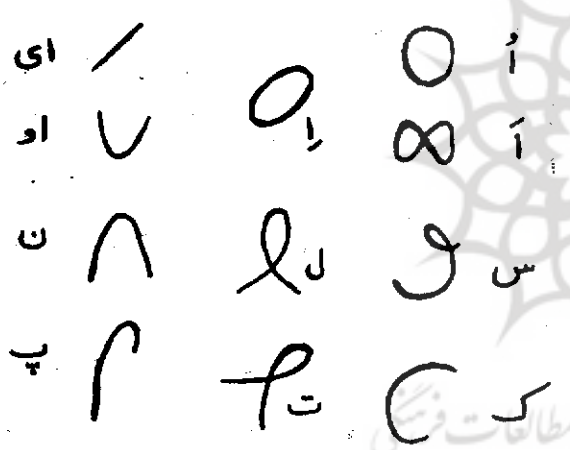
در این چاپ ، فقط یک جمله درباره تاریخ الفبا گفته شده و آن اینست که الفبا از روی خط برهمنی که موطن آن مشرق

ایران قدیم است گرفته شده .

آخرین حدسی که درباره الفبا زده‌اند و مخالف کلیه حدسیات سابق میباشد حدس پرفسور تولیو^{۱۱} است .

نکته قابل ملاحظه در این حدس اینست که تولیو در پژوهشهای بیسابقه خود بستگی شکل حرف را با صدا در نظر گرفته ولی بجای اینکه این بستگی را در دهان انسان جستجو کند متوجه تأثیر صدا در گوش و رد فعل آن شده است .

تولیو گوید : چون نظریاتی را که تاکنون راجع به الفبا اظهار کرده‌اند نمی‌توان بی‌شک و تردید پذیرفت لذا احتمال دارد که حروف الفبا در نتیجه تأثیر صدا در گوش و حرکت دست پیدا شده باشد . این دانشمند پس از آزمایش‌های دقیق که بر روی گوش خرگوش کرده و با بکار بردن عکاسی با برق ، موفق به پیدا کردن یازده حرف گردیده است . خلاصه تحقیقات فنی تولیو در سال ۱۹۳۱ انتشار یافته است .



نمونه‌ای از حروف پرفسور تولیو

این بود خلاصه‌ای از مدارکی که تاکنون جمع‌آوری کردیم و همچنین تذکر می‌دهیم که این مدارک به‌اینجا خاتمه نیافته و روز بروز بر آن افزوده می‌شود و اینکه ما برخی از مهمترین آنها را فعلاً اینجا نیاورده‌ایم بعلمت اینست که بررسی ما نسبت به آنها کامل نیست .

بدیهی است هر وقت این تحقیقات بصورت قابل‌ذکری درآمد بهنگام خود یادآور خواهیم شد .

(دنباله دارد)